نظام ایلیاتی و الگوی حزب‌الله در ایران

سیدعلی الله سینایی
عضو هیئت علمی دانشگاه شرکت‌کننده

چکیده

موضوع اجرا قانونی و طبیعی، و مناطق مختلف در ایران ساختار نظام قومی و ایلیتی، زمینه‌هایی را مها تمایزه که ایلات و قبایل در بخش عمده‌ای از تاریخ ایران بر نظام سیاسی و حزب‌الله‌داری کشور نسل این‌ها هم قابل و صحرانشناسی و سلسله‌طولانی مدت آنان و سپس مهاجرت ایلات و قبایل و تهیه‌کننده که از جمله این‌ها به عضوی، گروه‌های شکوه‌ای و روان‌سازی بوده‌است. ضرورت‌های جد و را در گروه سیاسی و حزب‌الله‌داری ایران، نهاده‌نام نموده‌اند. ابن مقاله به بررسی ساختارجه‌ام ایلیتی و تاثیرگذاری آن بر الگوی سیاست و حزب‌الله‌داری در ایران می‌پردازد.

وژگان کلیدی: ساختار نظام ایلیتی، ایران، نظام سیاسی، کوجن‌شناسی

مقدمه

نظام حزب‌الله در ایران بر پیامدهای ایلی و عشیروی استوار بوده. نیروی قبایلی بنا به خوی و عادت خویش که ناشی از زیستن در دل طبیعت سخت بوده، خشن و سطیزجو و روابط آن مبتنی بر روش‌های سازمانی کامل‌خ خود کامه بود.

* مدرس دانشگاه شرکت‌کننده
روندی‌هایی که در طی قرن‌های متمادی تسلط این ساختارها به صورت اجزای
لاینفک و روش‌های اعمال قدرت در نظام سیاسی و دیوانسالاری این مملکت
ماندگار شدند. سلطه هر قبیله بر جامعه پس از گذشتن دوره شکوه آن، با پورش
ایل متعارضی از داخل یا بیرون از فلات ایران برخی‌ها می‌شد و قبایلی که این گونه
بر جامعه سلطه می‌شند، بی‌درنگ به پهنه کشتی نا محدود از دهفان و
شهرنشینان می‌پرداختند، و اشرافیت عشیبندی خود را در سرزنش تسخیر شده
حاکم می‌کردند. برای شناخت تأثیر نظام ایلی‌ای در افکار نظام حکومتی در ایران
ابتدای به پرستی ساختار اجتماعی ایلی و کوشش‌های ایرانی می‌پردازیم.

جامعه ایلی‌ای ایران
قلمره‌های وسیع کوهستانی، مرتعی و صحرایی برده یا هم‌بازنده اندک،
تفاوت شدیداً به وسایل زیادی از نواحی مختلفی از جمله زمین‌های
طبیعی پیدا می‌شود، نظام اجتماعی و اقتصادی ایلی و کوچ در ایران هستند
(وکی، 1349، 1346) و در این میان کمبوش اپ و نوسانات بارش به عنوان منبع
گسترش کشاورزی و شرایط اقتصادی سلسله‌های به عنوان تحمیل کشیده معیشت
جادویی و اثرگذار بر شکل‌بندی ساختار و هرم قدرت در این جامعه هستند.
(نگنت و سانچز 1999، 263-264) بنابراین نوعی تحرک
اقتصادی معقول‌ترین و امکان‌پذیرترین راه‌حل فوری در این جامعه است که از
امکان استفاده از راه‌حل‌های فنی جدید برای مقابله با عوامل نامساعد طبیعت
بی‌پره است و پاسخ ناپایداری و بی‌تعادلی شرایط طبیعی را واگاه نوعی تحرک
کارآمد در شکل‌بندی زندگی اجتماعی خویش‌ها جوید. کوش نخستین این
راهحله‌است. (برهام، 1362-272)
از نظر ساختاری، ایل مجموعه‌ای سازمان یافته است که بر پیوندهای محکم خوزی و نسبی ایستاده است. (99, 1995, Hvolslef) که روابط خوزی و نسبی همبستگی درونی آن را تضمین می‌کند و فرد و خانواده هسته‌ای با واسطه این سازمان به مجموعه‌ی پژوهش ایل مرتب می‌شوند و خانواده‌ها در آن حوزه خوش‌آمدی نسبی (رده‌های اولین) و خوش‌آمدی تصوری و آزمایش (رده‌های بالا) در واحدهای اداری - سیاسی مختص سازمان می‌یابند. (کسرائیان و عربی، 1375) نیز بی‌مید این سازمان شبه‌رسمی، ایل قادر بود وظایف گوناگون خود نظیر جنگ با ایلات و قبایل رقیب و جدال دائم با طبیعت وحشی، حفظ امنیت جامعه ایلیاتی، تقسیم مرزهای و داوری در میان خانواده‌ای، دامداری و گذارندگان نیز و طولاف در کوچ‌های بهاره و بانی‌های ایل را به صورت صعب و دشوار، در اثر دوره‌های پیچیده دور عالمی نماید. (امامی، 1370، 158) و براساس این سازمان تداوم یگانگی ایل را تضمین کند. (فیروزان، 1362) 

تنوع قومی شکل گرفته در این سرمایه به صورت تفاوت‌های زبانی، گویشی، فرهنگی و مذهبی و گاه از ترکیب دو یا چند عامل مذکور نمود می‌یافته. همچنین در دوره‌های از تاریخ اشکالی از کوچ‌نشینی در واکنش به فشارهای سیاسی مذهبی یا تعرضات حاکمیت بی‌پایان می‌تواند پدید آمده (آیروز، 1362، 146) این وضعیت از گذشته‌های بسیار دور در ایران وجود داشته است. (شهبزی، 1369، 84)
ویژگی‌های ساختار جامعه ایلیت‌ای ایران

۱. نظام سلسله مراتبی

شکل‌بندی ساختارهای اجتماعی ایلات تفاوت‌های عمیق و بی‌سیمی و ندارند و
رده‌بندی‌های ایلات ایران بسیاره هم نزدیک است. اجزاء‌ای ساختارها در بالاترین
مرتبه خود (بزرگ ایل) به‌عنوان یکی از آحاد جامعه ایلاتی خود را می‌شناسد
به یک‌نیای مشترکی می‌دانند. ممکن است کامل‌ترهایی باشد ویلی به ترتیب که
این رده‌بندی به سمت یا پایین تر اجراء خود می‌رود، عتیقه و واقعیتر می‌شود.
اعضا جامعه ابی‌های بالاترین یخ این ساختار با پایین‌ترین قسمت‌ها در زیر
شاخه‌های معین تقسیم شده‌اند. (1001، نمونه‌ای از این ساختار
اجتماعی در مورد برخی از ایلات ایران به شکل زیر است: اعضاء ایل جامعه خود
را به گروه‌های پدری یا نسب تقسیم می‌کنند. که کوچکترین واحد آن فرزندان یک
پدر (گروه برادران) هستند که نزد برخی ایلات اصطلاحاً به‌هنو» (Buhon)
با سیاه‌چاد گفتگو می‌شود. سیاه‌چاد، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و عتیقه ایل است.
بعد از سیاه‌چاد «مال» قرار دارد. «مال» از تجمع‌دن سیاه‌چاد در گوشهای
از مرتع تشکیل می‌شود که معمولاً اعضای آن به‌همراه هم دام‌های خود را به چرا
می‌برند. مال نتیجه‌ای تجمعی و عتیقه ایل است. که جایگاه تاثیر زیادی دارد و ممکن
است به دنبال آب و علف به جنگ نتیجه را در ملی اطراف نماید. گروه سوم (کر،
بو» یا اولاد است. هر اولاد از دو یا دو خانوار تشکیل می‌شود. گروه
چهارم «تش» (Tash) است. که واحدهای ذهین و در بردارنده چند اولاد است. پس
از «تش»، «تهر» و سپس «طایفه» قرار دارد، که از ترکیب جنگ «تیره» تشکیل
می‌شود. طایفه‌های یک یا بزرگ اجتماعی پیش از ایل است. (دیگار، 1362، صفحه 115-118
نژاد، 1362، 1363)
توجهی قدرت سیاسی و اداری مناسب با تقسیم‌دهنده‌ای باعث صورت می‌گردد.
در عالی‌ترین نقطه قدرت در مسیر ایالات‌های با ایلخان قرار داشت و سربرستی کل نظام سیاسی، اجتماعی ایل در اختیار یک بود. در مرتبه پایین‌تر کلانتران، بودنک وظایف تأمین و سازماندهی نیروی جنگی، جمع‌آوری مالیات و داوری میان اعضای آن طایفه و دیگر موارد را عهده‌دار بودند. در مرتبه بعد کدخدایان بودنک همین وظایف را در خرده‌ای تبررهای وابسته‌های خود در این نظام سلسله‌مراتبی ایفای می‌کردند. (افشارسپانی، ۱۳۶۲، ص ۳۸۱-۱۶۴۵) در واقع، جهان‌بینی خویشاوندی‌واری، زندگی دامداری و مدیریت بین‌المللی بر رهبری خانها و سرکردگان ایلی به‌عنوان سلسله‌ای اساسی در شناسایی نظام ایلی است.
(تاپر، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴۵) 
و به اعتقاد این خلدون، ریاست در قبیل تنها از راه قدرت و غلبه می‌شود و عمیقاً در ارتباط با عصیبی ممکن بوده. (این خلدون، ۱۳۶۹، ص ۳۴۳).
ایلات و اقامت بر اساس تیره‌ها و طوایف خود در ایلی انسجام درونی بودند. آنان نسبت به حفظ تعلقات خود ام از نام‌های تبرک، سرزمین، استطور ایلی و آنجه به ایشان منتسب بود تعصب می‌زدند. (ابن خلدون، ۱۴۰۱-۱۳۴۴) این عصیبت مؤثرترین عامل انسجام و استحکام درونی جامعه ایلی و قومی بوده و باور اعضا به نظام ایلی خود و احساس تعلق (تعصب) به آن، در کران و ساختار رده‌بندی تیره و طوایف و سرزمین مشترک برای ارائه تعیین از جامعه ایلی ایران مهمترین معیارها است. (افشار‌نادری، ۱۳۶۲، ص ۳۸۱)
رده‌بندی ساختارهای ایل تأمین کننده هماهنگی نظام ایلی‌تی بود. در این میان اگر چه پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی در سطح ایل نسبت به طوایف و تیره‌ها ضعیف بود ولی اعضای از ایل‌هاگی داشته از اجرا آن دارای رابطه عاطفی بودند و به آن تبعید می‌وزیدند. در مراتب باهنر دستی این نظر اولادها، تیره‌ها و حتی در مراتب طوایف، یکپارچگی گروهی و انسجام و همبستگی اجتماعی بسیار برجسته بود. هر فرد ایلی‌تی با افراد مهم تیره خود روابط تنش‌آور و گستردگی‌ای در زمان کوچ، بر هر راه‌داری از مرتع و آب، و در میادین فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی داشت. در واقع تیره و طایفه برای او در حکم هدف و حتی بیشتر از آن برای رستاری بود. این تیره ادغام می‌شد و بیرون از این نظام اجتماعی نمی‌توانست هویتی پیدا کند و قادر به تغییر این نظام هویتی و تیره و طایفه خود نبود. (صحی نژاد، 1387، صفحات 34 - 36)

ساخت اجتماعی ایل نیز خود کلیه را تشکیل می‌داده که مرزهای آن به سرزینی بلوک فرهنگی بود. (تاریخ 1377، صفحات 151 - 152) و فرد در آن به دنیای گاهی که وابسته به سرزینی یا کشور و ملت معمول باشد، وابسته به ایل بود. بنابراین یک گروه ایلی و قومی بیش از آن‌که مادی-زیستی باشد، اجتماعی-فرهنگی بود.

2- خودگردانی

جامعه ایلی‌تی ایران مدت‌های زیادی عملاً در اداره امور خودگردان بود و نهاد رهبری این پاسخگوی نیازهای مالی‌سیاسی درونی آن و تنظیم کننده روابط آن با جهان خارج بود. و توزیع قدرت سیاسی و اداری در این ساختار با تقسیمات درونی آن تناسب داشت. ایل‌خان یا خان سپس کلانتران و کدخداپان و طایفه مختلف را که در جوامع یکجانشین بر عهده دستگاه‌های قدرت رسمی است.
عملی می‌نمودند. امر قضاوت و داوری، جمع‌آوری مالیات، تنظیم روابط اجزای ایل و جهان خارج، تاسیسات دهه و تجهیز نیروی مسلح رهبران ایل انجام می‌شد. (لمبتن،، ۱۳۶۰).

مریان سی‌گوپر، سیاست‌مدار آمریکایی که مدتی را در میان بختیاری‌ها گذرانده‌است، بر اساس مشاهدات خود به صورت احکام قضایی، جمع‌آوری مالیات، تنظیم ایلخان بختیاری و همچنین وجود تعداد زیادی سوار تفنگدار در رکاب وی اشاره می‌کند. وی به علاوه از خودگردانی‌های ایلات به واسطه پرهیزگاری از حصارهای طبیعی کوه و صحرا، و کشمشک‌های مداوم آنها با دولت‌های مرکزی سخن می‌گوید. (کویر،، ۱۹۹۰).

این استقلال‌خواهی حتی در دوقرن اخیر به گونه‌ای بوده که بختیاری‌ها در این دوره عموماً با حکومت‌های مرکزی در درگیری بی‌پردازند. (کرای،، ۲۵۳۶-۹۷).

این تفاوت بارای استقلال در دوره‌های دورتر تاریخی در نزد ایلات از شدت و بیشتری برخوردار بوده. در حالی که دولت‌های عثمانی بر اعمال کنترل ایلات داشتند، تماپلات گریز از تمرکزگرایی دولتی در شهران شدید بود. (Meir.، ۱۹۸۸).

۳- روابط پرتنش درونی و برون‌ایلی

جاده دائم میان اجزاء داخلی (آنان،، ۱۳۶۰) و جووی ایلی با دیگر بخش‌های جامعه بکی از خصوصیات تاریخ ایران است. بر اساس آنچه از ویژگی‌های ایلات گفته شد، قبیله‌گی اجتماعی و انسجام درونی در جمعه ایلیتی، بر خصوص در واحدهای کوچکتر، بسیار زیاد است، و این انسجام از طریق بی‌پوشه و شبکه تبیخی و خوش‌بینانگی تقویت می‌شود. چندان از تبیخی و چاوی‌های دیگر، خودکفایی اقتصادی و خودگردانی سیاسی، وجود نظام ساختاری سلسله‌مراتبی مشخص و سخت و احساس منفی و حتی در ضدپرتوان با دیگران، یافترا به گروه
خود هر چه بیشتر ازدیک می‌ساخت و این حس در هر یک از آورد که بیرون از جویان، انسان در استقلال منفعت‌برداری از نگاه ویژهی گروه‌های قومی و ایلی از انجمن اهمیتی برخوردی که «بازن» (BAZIN) انجام می‌دهد، این نوعی ادغام اولیه‌ای حکم از مفهوم قومیت قرارداده (بازن، 1377: 1385-1387) یک ترکیب همبستگی اجتماعی درون گروهی بیشتر و حس تمایز برون گروهی نیز افزایش می‌یابد. سبب این همبستگی درونی نوعی گسترش بروز ایجاد می‌گردد. (بارنی و بکر، 1358: 1358-1359) این عوامل وقتی با شیوه تولید و تقسیم کار اجتماعی در ایلات که بخشه قابل توجه وظیفه معيشتی در آن به زبان و کودکان و اکناز می‌شد و مردان اغلب از فراغت بال و فرصت کافی برای پرداختن به امور نظامی برخوردار بودند ترکیب می‌شد و قدرت جنگندهی مردان ایلیانی که درنیچه ممارسه و مبارزه مستمر باطبیعت و حیات ساده می‌آمد و با عدم وابستگی و تعلق به سرزمین خاص، بیوند می‌خورد، قابلیت‌های ویژه‌ای در سئیزه و رقابت قدرت در اختیار ایلات قرار می‌داد. (المه، 1378: 1378) این وضعیت فضایی ذهنی و زمینه‌های بحث‌های بوش برای تصرف اراضی مرتعی، چرائین مزارع و غارت محصولات باج‌انگیزان بهره به سال‌های خشک و نیز تصرف و غارت شرها را فراهم می‌نمود. (کاساتلو، 1378: 1378-1382)

تأثیر گذاری نظام ایلیاتی بر انتخاب نظام سیاسی و حکومت‌داری در ایران

بخش عمده‌ای از تاریخ ایران با سلطه و تأثیرگذاری جوامع ایلیاتی و قومی بر نظام سیاسی تأمین است. این وضعیت باعث ایجاد آثاری در شکل‌گیری انتخاب نظام سیاسی ایران برای دوره‌های بعد شد. در این بخش به بررسی چگونگی تأثیرگذاری جامعه ایلیاتی بر انتخاب نظام پادشاهی ایران می‌پردازیم.
پدر شاهی ایلی‌تی و پادشاهی ایرانی

آن گونه که در یک نزدیکی به سبک زندگی‌خوانی و فکری آسیای سیصد و هفدهم قدرت ادغامی جامعه ایلی‌تی ایران در طبیعت و اقامت این سرمایه‌دار به سوی انتظار اجتماعی بزرگ و متعددی که باعث بیدایش این جامعه می‌شود، وزارت خود را بر مردمان این جامعه تحمیل می‌کرد. این مردمان به فراورش شرایط سخت زندگی، افرادی قوی، بر طاقن و دارای سازمان شبه‌نظامی سلسله‌مراتبی بودند که به واسطه مواجهه مستمر با دشواری‌های طبیعت و قابلیت مهار زمینه‌هایی با کنترل و مهارت عمیق را پر از آن، یکسان با آن، تسرع برای آنان تسهیل شده بود. به جهت مبارزه دائم با این عناصر (طبیعت وحشی و مهابان و معابر) به شدت جنگجو و ستیزگر و دائمتاً با رکاب، تربیت شده بودند در واقع قدرت سیاسی ایل در قدرت نظامی آن بود. (شعبةی، 1367، 967) بمباران در غیاب نیروی نظامی سازمان‌های فردی رسمی و ارتش دائم، نیز نیروی سیکار، دارای جالابی و قدرت مانور بالا بودند که می‌توانستند با سرعتی که نیروی جامعه یکجانشین قاده به انجام آن نبود وظایف حاکمیتی را انجام دهد و اعمالی نظیر جمع‌آوری مالیات، سرکوب شورش‌ها و اغتشاش‌های محلی و... را در سرمایه‌داری که آبادی‌ها در آن از مهم‌ترین دور و جوی و انتخاب هایی در دشته و دره‌ها و یا در کور، و، کوبنده‌ها با آبادی دیگر فاسد شده‌اند، با به جهت گودسپاران به سبک دیگر، در ایران در اختیار نداشت، تحت غورش قرار داده و یک‌پارچ‌گی سرمایه‌ها را در کلیت ایران ممکن سازند. (پولام، 1486، 1368) این زمینه‌ها شرایطی را برای ایلات و قبایل می‌کرد که قادر شدند در بیش از هشتم درصد از کل دوره سلطنت در ایران (1719 م. تا 1979) حاکمیت سیاسی کشور را در اختیار داشته باشند (شعبةی، 138) برخی از پژوهشگران تاریخ
حتی معتقدند اکثر حکومت‌های ایران دارای بیانی‌های ایلیشی بودند و گراف نیست اگر یکی‌پیم در جریان این آمد و شد، منازعات این در ایران جای منازعات طبقایی در تاریخ اروپا را گرفت. (نقیب زاده، ۱۲۷۹، ص.۱۹۱۹) فراîندی که شاید بتوان مفهوم نوعی گروپشی‌سازی یافت در بالغ‌گویی که این خلودان آن را برمی‌آورد. وقت وضع عصبیت تبیین می‌کند، در مورد آن بکاربرد. ملکداری هدفی است که عصبیت به سوی آن روان است، و ملک جز به غلبه و جبه حاصل نمی‌شود و پیوسته پیروزی از آن قویتراز عصبیت است تا آن که عصبیتی تازه در برآورش قدرم کندکوئیر است اوگردد و بر آن جبه شود. (این خلودان، ۱۴۶۵-۲۴۶۵) سرآزمشدن سیل قبایل و ایلات و سلطه ایشان بر این سرمزمین باعث شد که عنصر اطاعت مطلق از رئیس قبیله در بافت حکومت‌های ایران به متابه یک اصل اساسی وارد و نهادن شود، این جزئی از سنت قبایل بود و مخالفت با آن حرام و «تاپ» لطفی می‌شد. (زیبا کلام، ۱۳۷۲، ص.۱۸۷-۱۸۸) این سنت‌های فرهنگی و اجتماعی عموماً مواردی هستند که دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی آن را در قالب گروه بانریون‌پالسیم طبقه‌بندی می‌کنند و آن مفهومی است که «مکس وبر» برای اشاره به شکلی از افتادگی بکاربرد که در آن نظامی سنتی با به‌هم‌بندی از مناسبات و سلسله مراتب قدرت، فراموش فراموش را به اجرای گذارد. از این نظر پدرسالاری (بانریون‌پالسیم) نتیجه به معنای سلطه پدر نیست. بلکه سلطه خوشابند برگزیگر اعضا خانواده، سلطه ارزاب و ونیم نعمت بر رعایا، سلطه فراموش بر خدمت‌گذاران و مقامات رسمی، سلطه شاه، شهردار و فراموش‌های مورونی بر مقامات دربار و رعایا، همگی تحت مقبولیت پدرسالاری قرار می‌گیرند. در این گونه از افتادگی نظام ارزشی و هنجره‌ها نقض ناشدنی و مقصدند... و در کنار این نظام، فلمند استبداد مطلق فراموش که قضاوت‌هایش به اساس عملکرد و خدمات که
بر پایه تمایلات شخصی اوست، قرار دارد. (و بر ۱۳۸۷، ۲۳۷-۲۳۶) از دیگر خصوصیات این نظام اینست که کارکنان دستگاه دولتی خوده شخصی رهبری محصول می‌شوند، اقتصاد موجود کاملاً شخصی است، و حاکمیت داور نمی‌بیند بلکه ارباب جامعه است. قدرت به موجب صفات شخصی به او تعلق گرفته و همه‌چیز در رابطه با شخص شاه (فرمانروا) اعتبار می‌یابد. دیویسان‌الاراد و صاحب منصبان نوکران اوند و ارتش نیز تنها ارتش اوست و میل اراده او در حکم قانون است. در این میان رعایا (توده‌های مردم) به معنای واقعی کلام حقوقی ندارند، و در صورت نیاز توسعه استفاده از مراحل ملک‌کنش تنها جابری/آنن است. (فرنورد، ۱۳۶۲، ۲۵۳–۲۵۲)

به‌شناس حکومت و قدرت در ایران همخوانی مناسبی با این دوگوی سیاسی دارد. وضعيتی که در آن حکومت به عنوان ملک حاکم تلقی می‌شود و آن را به وسیله قانون زور، کنترل می‌کرده و امامان اداری به عنوان نوکران شخصی وی خدمت می‌کرده، و حکومت سلطنتی ملک شخصی او بود. در این نظام استبدادی هدف تمام تشكیلات و ساز و کارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صیانت مقام سلطنت و استقرار و تعقیب نفوذ و سلطه شاه بود. لرد کرزن در پایان قرن نوزدهم درباره وضعیت حکومت در ایران می‌نویسد: «... شاه ایران... حرفش قانون و امر شما مطاع، اختیار راجح دارد است و بر مال و کار به خود حکومت مطلقه می‌کند. شاه ایران یک چنین هم قوه مفهوم و هم قوه مجری به هم قوه قضائیه را تشکیل می‌دهد، هر چیزی را می‌تواند مصادره کند، هر کس را می‌تواند یا بخشد و تمام اموال عمومی قبضه قدرت او می‌یابد.» (کرزن، ۱۳۴۷، ۹۳) این نشست امروز کشور تا پایان دوره سلطنت امامی داشت و منابع تاريخی گزارش‌های بسیاری دارند که تأیید می‌کند، نگاه حاکمان ایلیایی و عشایری
ارزان به متل به مثابه قبیله و به حکومت و منابع آن به عنوان ملک اعضای قبیله غالب و یا مفاهیمی از این دست بود. جنگ که «سلطانی سلجوقی» به منزله سران قبیله خود به حساب می‌آمدند و امپراتوری را ملک مطلق کل اعضای خانواده به حساب می‌آورد...» (کلوزنر، 1381-1967 این نوع نگرش در دوره مغولان تشکیل شد. آنان سرزمین‌های تحت تصرف را به عنوان باخی از دارایی قبیله و «یورت»، خاندان سلطنتی می‌دانستند که در آنها احتشام و اعراب آنان و اتباع ایوان می‌چریدند...) (علمداری، 1387، صفحه 180).

این گونه به خوردن با ملت و ملک در تمام دوره‌های بعد ادامه داشت. زیرا تفاوت قاطعی در مبانی فرهنگی و اجتماعی حاکمان بدن نیست آمد. یعنی تغییر عبارت بود از اینکه قدرت و حکومت ازشیرداری به عشیره‌ای درگیر و حاکمان که مخرج مشترک رفتار در این میان پایدار می‌ماند. این بدن جهت بوده که ایلات با وجود تفاوت در منشا، نژاد، تعداد جمعات، زبان و... در بخش‌های عمده‌ای از اصول فرهنگی، اجتماعی و سیاسی واحی تبیین می‌کردند. (سربی کلم، 1377، صفحه 138) در این فرهنگ سیاسی آن‌جتان که خواجه نظام الملك وسیر مقتدر سلجویان گفت «وعیت رنه پادشاه و پادشاه شبان رعیت است.» (طلسی، 1364 صفحه 41).

این وضعیت به واسطه استمرار الگوهای رفتار سیاسی در دوره‌های مختلف تداوم داشت. و سپس عنصر قدسیت هم به این عوام قدرت افزوده شد و صفویان که مربوط به ازدواج خود را بر پایه سازمان ایلاتی و ایدئولوژی دینی استوار کردند بود، جایگاه خود را از مقام فرماتروپی به شأنی از الهیت نژادی نمودند. (مینوپرسکی، 1368، صفحه 18) دولت فاجور نیز که از آگاهی حکمران مؤسس آن خود را بیشتر ریاست یک ایل می‌دانست تا پادشاه یک مملکت. (زبنگالیام، سنند و مدرنیته، 1370) با تمام سازمان و اقتدارات خود به صورت کامل یک نظام
نظام ابیاتی و الگوی حکومت در ایران

پدر شاهی بود. نسل‌های این سلسله بر نظام ابیاتی ایران و فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیسم استوار بود. تمامی اخلاق‌های شاعری می‌شد و افراد و عناصر تشکیل دهنده دولت همگی "نورکان شاه" خوانده می‌شدند. (وره‌رام، ۱۳۶۶، ص ۱۱۱)

در همین دوره، بیش از پیش کشور به صورت ملک مطلق میان خاندان ایران قاجار تقسیم شد و استبداد با فراوان شدن دارالسلطنه (دربارهای ایرانی) گسترش یافت و عمق یافت و همه ملکت به تیپل فرزندان و کسان و فلاگان قاجاری فتح‌الله شاه تبیلی شد. (کرزن، ۱۳۶۵) سپس در ویژه سردر فاجار، انقلاب‌های مشروطه‌ای هم که به دنبال رهایی و خلاصی از شری بی قانونی سازمان یافته و رسماً بودند و فکر می‌کردند به صرف غله بر استبداد، به همه آرمان‌های انقلابیون می‌رسید. (همایون کاتوزیان، ۱۳۱۰-۱۹۳۰) کامیاب نشانه زیرا پاسخ پادشاهان مشروطه به خواسته‌های آنان نیز، همان پاسخ شاهان پیشین به گل‌های اعتراض بود و محمدعلی شاه که نگذرز تنب به پذیرش مشروطیت داده. متغیرانه و با اعتراض به مجلس‌سای گفت: "چطور من مستندی ندارم، من به کیستی رعایای خود را مثل شبایی که گوسفندان را هدایت و نگهداری می‌کنند، سربرنستی نمایم..." (زیباکلام‌سنت ومدرنیته، ۴۵۹)

رضایان پهلوی و فرزندش نیز به مانند تمام پادشاهان پیش از خود ایران را به صورت ملک خاندانی و طایفهای خودمی‌گیرست. منافع شخصی خدروی مانع کشور نلیفت کردن. (کام، ۱۳۷۳-۱۳۷۲) و در حالی که اصل ۳۶ قانون اساسی مشروطه تصريح داشت که "قوای ملک ملکت ناشی از ملت است"، (رحمی، ۱۳۴۷، ص ۱۳۲).
به هر حال دوره طولانی حاکمیت اقوام چادرن‌شنین بر جامعه یکجانشینی شهروی و روستایی در ایران خلق و خوی این نوع از حیات سنتی را به عنوان استراتیژی تغییر جامعه اجتماعی، در منابع این جامعه مانندگار نمود. همچنین جامعه ایلیایی از طریق تکرار نهایم و یورش به جوامع روستایی و شهروی برای غارت و چاپ ممنوع مالی و اندوهنده محصولات، فضایی را ایجاد کردن که نهایتاً مسئله رفع تهیج و ایجاد امنیت به عنوان مهم‌ترین دغدغه حکومت‌ها در آید. بنابراین ایده ایجاد نیروی سرکوب به صورتی که بتواند مستمراً درگیر شورش‌های محلی ایلات باشد، حاکمان را به سمت برگرداندن محدودیت و اقتصاد جامعه را برای امنیت امتیازی در انتخاب گیرند، این هم‌اندیشی باید با شما چه‌ی ایجاد زمینه‌ساز تشکیل و گسترش حکومت‌های نظامی و مرکزی در ایران گردیده. حکومت‌هایی که به قیمت تصرف و تنقل اراضی و تبدیل جوامع آزاد و خودکار به رعاپی و برگدن ساختارهای قوم فاتح امنیت آنان را تأمین می‌کردند. 

مکاپور دانشمند سیاسی می‌نویسد: «بنگ و آتش‌باز تفکرای فوری را به وجود می‌آورد که خواهان انضباطی بیشتری و اطاعت از رهبر است... رهبری جنگ افتادار را تصدیق می‌کند و یک سیستم تبعیضی در سلسله مراتب بیداد می‌آورد. حنی یورش‌های محلی که در سبیلی موارد جنگ‌های قیلیک را تشکیل می‌دهند، روابطی را به سلسله مراتب تحمیل می‌کند که به شدت ممکن به امر و اطاعت است» (مکاپور، ۱۳۴۹، صفحه ۴۳). 

پس از ترتبیه مناظع و افتتش ناشی از انتشار و ریشه‌دارشدن الگوی حیات اجتماعی ایلیایی فضای تنش و بی‌ثباتی را در کشور دانمارک نمود که در تاریخ ایران به صورت یک نهاد اجتماعی درآمد. بروشورشکسی این امر را یکی از عقاب‌های مانندگار ایران می‌داند که باعث موفقیت‌کردن سیر تکامل جامعه و سپس تحقیم و
نتیجه‌گیری

شرایط طبیعی فلاته ایران و قابلیت‌های ساختاری ایلات برای جوامع ایلیاتی این امکان را فراهم کرده که در دوره طولانی، بر این کشور حکومت نمایند. این وضعیت باعث شده که بسیاری از سنت‌های ایلات و قبایل که برخی از افتضاحات حیات جوامع بودند، به مرور در قالب الفگ حکومت‌داری و سیاست ایران نهاده شوند. شکل تاریخی استباد سیاسی را می‌توان یکی از پیامدهای نظام پاتریمونیالیسم قبیلیکی نامید. در این مقاله به اجمال به بررسی مقدمات و زمینه‌های آن در سرمایه ایران و ساختار نظام ایلاتی به‌داشت. وضعیت که با گسترش و فرآیند و اقتصاد در کارکردگی این نظام، به شبکه آشوب و نامی در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران دامن زد، همچنین تعیین‌گر زمینه‌ساز استباد و تمکن‌گرایی در قدرت و هم باعث عدم انبساط و گریزان‌شدن سرمایه‌های (Montalvo and Reynal querol, 2005, 295-296)
منابع

1. آریونو، ویلیام. ترجمه پیروز اله (1362): کوجنیشینی به عنوان راهی برای سازگاری سیاسی. نمونه ترکمن‌های به خیاک، مجموعه آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

2. ابن خلدون، عبدالله، ترجمه محمدبیوین گلابی (1369): مقدمه ابن خلدون، جلد اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

3. اشرف، احمد. هویت ایرانی (1374): ایرانیان خارج از کشور، چ ۳ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

4. افسار سیستمی، ایرج (1366): مقدمه‌ای بر زبان‌های اصلی، چادرنشینان و طوایف عشایری در ایران، نشر هما، تهران.

5. افسارنامه، نادر، اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، تهران 1362.

6. امان‌الله باروند، دکتر سکندر (1370): کوجنیشین در ایران، صهیونی درباره ایلات و عشایر در آگاه، تهران.

7. امان، دیتر، ترجمه سید محسن محسنیان، (1369): یکی از عشایر کوهنشین ایرانی در پویه تاریخ، انتشارات آستان قدس رضوی، تهران.

8. بحث، مارسل، ترجمه فروزان خراشی (1377): هویت معمول در ایران و آسیای مرکزی، فصلنامه تحقيقات جغرافیایی، دوره ۱۲، شماره ۱۳ و ۱۴، سال ۱۳۷۷.

9. بارزانی، ای.آ. و بکر، ای. ترجمه جواهر کوسفانی و علی اصغر مجیدی، (1359): تاریخ اندیشه اجتماعی، ج ۱. شرکت سهامی کتابفروشی جنبی، تهران.

10. برهم، یاقوت (1362): طرح مسئله ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه، تهران.

11. پتروفسکی، ایلیا پاوولویچ، ترجمه کریم گرکوزر، (1357): کشاورزی و منابع اراضی در ایران عهد معاصر، ج ۱، نشر نیل، تهران.